



### یک پدر دلسوز

یکی از شاگردان از عیسی خواست: «به ما دعا کردن را بیاموز.» عیسی به روشی دعا کرد که شاگردان تا به آن موقع نمیدانستند. شاگردان احترام زیادی برای خدا قائل بودند. آنها با این نگرش بزرگ شده بودند که خدا قادر مطلق، قدوس، حاضر مطلق، عادل و مهربان است. اما عیسی به روش دیگری با خدا صحبت کرد که آنها با آن آشنا نبودند.

متی ۶: ۹-۱۰

عیسی گفت: «این گونه دعا کنید: ای پدر آسمانی ما، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید و اراده تو همانطور که در آسمان اجرا می شود، در زمین نیز اجرا شود.» در این دعا عیسی می آموزد که خدا برای ما یک پدر است. او نه تنها در ملکوتش پادشاه و قادر مطلق است، بلکه پدر هم هست.

### پدر به چه چیزی می اندیشد؟

متی ۶: ۱۱-۱۳

خدا همیشه میخواست بفهمیم که او میخواهد پدر ما باشد، میخواهد از ما مراقبت کند، میخواهد ما را دوست داشته باشد، ما را بپذیرد و از ما محافظت کند. او مشتاق است که ما به عنوان یک پسر یا دختر او رفتار نمائیم و آنچه را که برای ما مهیا کرده است، دریافت کنیم. او میل دارد که رابطه اش با ما را بهبود ببخشد تا بتوانیم محبت او را آزادانه دریافت کنیم. با این حال مردم این اصل را درک نکردند و بنابراین عیسی آمد تا این بهبود را به ارمغان بیاورد.

### عیسی آمد تا خدا را به عنوان پدر نمایان کند

یوحنا ۱: ۱-۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴

خدای پدر میخواست بین انسانها زندگی کند تا آنها صدایش را بشنوند، زیرا انسانها دایم صدایش را تشخیص داده نمیتوانستند. او بطور متوالی پیامبرانی رامیفرستاد تا مردم صدایش را بشنوند اما این پیامبران هم خدا را به طور محدود میشناختند. به همین خاطر خدای پدر انتخاب کرد تا خودش در بین انسانها بیاید و میان آنها زندگی کند. برای اینکه مردم از او نترسند، او درجسم یک انسان آمد، یعنی عیسی. او پسر مریم بود. روح خدا عیسی را در مریم نهاده بود. بسیاری از یهودیان در انتظار مسیح نجات دهنده بودند، اما هیچکس انتظار آن را نداشت که مسیح از این طریق به عنوان عیسی پسر خدا، به دنیا بیاید. همه فکر میکردند خدا پادشاهی اش را به روش کاملاً متفاوت برقرار خواهد کرد و همه منتظر آمدن یک فرمانروای مقتدر و قدرتمند بودند. عیسی بر خلاف باور همگان، معصومانه و بی آزار و همچون کودک نوزاد، بدون قدرت ظاهری آمد.

هدف او این بود تا به انسانها نشان دهد که خدا واقعاً کی است و چگونه میتوان با این پدر در امن زندگی کرد.

### عیسی در مورد پدر چه چیزی را نشان می دهد؟

یوحنا ۱: ۱۸

یوحنا ۴: ۳۴؛ ۸: ۲۹

یوحنا ۵: ۱۹-۲۰

یوحنا ۱۰: ۳۸

یوحنا ۱۴: ۹

یوحنا ۱۴: ۶

### پدر و عیسی، نمونه ای برای ما

پدر محبت و شادی اش را نسبت به عیسی ابراز میکند.

او عیسی را به عنوان پسرش تأیید میکند.

پدر از عیسی در برابر تهمت کنندگان محافظت میکند.

چون عیسی در مطابقت به اراده پدر زندگی میکند، بنام پدر اجازه نمیدهد که هیچ چیزی برخلاف اراده اش اتفاق بیفتد؛ تا خداوند اجازه ندهد حتی پادشاه هم نمیتواند کاری انجام بدهد.

یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱

پدر عیسی را فرستاد و قدرت و اقتدار خود را به او داد.

متی ۲۸: ۱۸

### خدا، اکنون پدر برای ما

مهمترین چیزی که عیسی به شاگردانش میگوید این است که اکنون آنها نیز میتوانند خدا را به عنوان پدر تجربه کنند.

یوحنا ۲۰: ۱۷

عیسی میگوید که ما میتوانیم او را دوست داشته باشیم و مانند خودش در وابستگی و اعتماد زندگی کنیم. در آنصورت پدر خود را برای ما آشکار میکند.

یوحنا ۱۴: ۱۸-۲۱

سپس پدر خواهد آمد و با ما زندگی خواهد کرد. خدای پدر شما را دوست دارد.

یوحنا ۱۴: ۲۳

### از ایمانداران چگونه یاد می‌شود؟

**غلاتیان ۴: ۴-۷**

این بدان معناست که ما وارثین هستیم.

### درد

اگر ما رابطه چندان خوبی با پدر زمینی خود نداشته ایم اغلب این سوژه ای دردناکی است و گاهی اوقات نیز زندگی ما را تحت تاثیر قرار میدهد. بسیاری از مواقع، ما همین تصویر را منحیث یک مثال اشتباه از خدا قرار میدهیم. بطور نمونه، اگر ما بسیار قانونمند تربیت شده باشیم و باید بسیار کار میکردیم، انتظار داریم که خدا نیز اینگونه با ما برخورد کند. یا اگر پدری داشته ایم که دایم عصبانی یا حتی خشن بوده است، برای ما بسیار سخت است که خدا را به عنوان پدر پر توجه و پر محبت تصور کنیم.

### علاج ممکن است

**لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴**

در این داستان میبینیم که پدر منتظر پسر خود است. با وجود اینکه پسر به شیوه بدی زندگی میکند، مگر پدر او را هنوز دوست دارد. همینگونه، خدا نیز مانند یک پدر منتظر شماست. پدر به پسرش لباس، انگشتر و کفشهایی نو میدهد. همچنین پدر جشنی را ترتیب میدهد. خدای پدر نیز به همین شیوه میخواهد از شما استقبال کند.



**تمرین**

از خدا بخواهید که او قلب پدری اش را در طول هفته آینده به شما آشکار کند.

آیا میخواهید مانند پدر باشید؟ اگر به این چیز فکر میکنید در قلب شما چه اتفاق می افتد؟ به لحظات بزرگی که با پدرتان گذرانده اید فکر کنید. آیا ویژگی هایی وجود دارد که آنها را در خود نیز مشاهده میکنید؟ خدا را بخاطر لحظات خوش و ویژگی های خوب اخلاقی پدرتان شکر کنید. اگر پدرتان هنوز زنده است، پس این را در کارت یا نامه ای برای او بنویسید. البته میتوانید این کار را برای همان کسی نیز انجام دهید که برای شما در زندگی حیثیت یک پدر را داشته است.

از خدا بخواهید که آیا چیزی از گذشته است که باید با پدرتان حل و فصل کنید. وقت بگذارید و در مورد این سوال با خدا صحبت کنید. اگر خدا چیزی به شما نشان نداد، کاری نکنید.

با مربی خود صحبت کنید که پدرتان برای شما چه کسی بوده است. از روح خدا بخواهید آنچه را که میخواهد از گذشته تان شفا دهد، به شما نشان بدهد.

آیا شرایطی وجود دارد که ناگهان به آنها فکر میکنید؟ آیا با برخی از خصوصیات اخلاقی پدرتان مشکل دارید؟ آیا اتفاقات دردناک و ناگواری در مورد پدرتان وجود دارند که نیاز به شفا دارند؟

## اصل ششم

خدای پدر شما را دوست دارد! شما برایش ارزش دارید و او تائید میکند که شما فرزندان او هستید، درست همانگونه که به پسرش عیسی کرد.



متی ۶: ۹، ۱۰

۹ پس شما اینطور دعا کنید: «ای پدر آسمانی ما، نام تو مقدس باد. ۱۰ پادشاهی تو بیاید. اراده تو همانطور که در آسمان اجرا می شود، در زمین نیز اجرا شود.»

یوحنا ۱۰: ۳۸

۳۸ و اما اگر کارهای او را انجام می دهم حتی اگر به من ایمان نمی آورید به کارهای من ایمان بیاورید تا بدانید و مطمئن شوید که پدر در من است و من در او.»

متی ۶: ۱۱-۱۳

۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما بده. ۱۲ خطایای ما را ببخش، چنانکه ما نیز کسانی را که به ما خطا کرده اند می بخشیم. ۱۳ ما را از وسوسه ها دور نگه دار و از شریر رهایی ده، زیرا پادشاهی و قدرت و جلال تا ابدالابد از تو است. آمین.»

یوحنا ۱۴: ۶

۶ عیسی به او گفت: «من راه و راستی و زندگی هستم، هیچ کس جز بوسیله من نزد پدر نمی آید.»

یوحنا ۱: ۱-۵، ۸-۱۰، ۱۴

۱ در ازل کلام بود. کلام با خدا بود و کلام خود خدا بود، از ازل کلام با خدا بود. ۲ همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. ۳ زندگی از او بوجود آمد و آن زندگی نور آدمیان بود. ۴ نور در تاریکی می درخشد و تاریکی هرگز بر آن پیروز نشده است. ۵ او خودش آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد. ۶ آن نور واقعی که همه آدمیان را نورانی می سازد، در حال آمدن به دنیا بود. ۷ او در دنیا بود و دنیا بوسیله او آفریده شد، اما دنیا او را نشناخت. ۸ پس کلام جسم گشته بشکل انسان در میان ما جای گرفت. جلالش را دیدیم. شکوه و جلالی شایسته پسر یگانه پدر و پُر از فیض و راستی.

لوقا ۳: ۲۱-۲۲

۲۱ پس از آنکه همه تعمیم گرفتند، عیسی نیز تعمیم گرفت و به دعا مشغول بود که آسمان باز شد ۲۲ و روح القدس به صورت کبوتری بر او نازل شد و صدایی از آسمان آمد: «تو پسر عزیز من هستی. از تو خوشنودم.»

متی ۱۷: ۵

۵ هنوز سخن او تمام نشده بود که ابری درخشان آنها را فراگرفت و از آن ابر صدایی شنیده شد که می گفت: «این است پسر عزیز من که از او خوشنودم. به او گوش دهید.»

یوحنا ۸: ۵۹

۵۹ آن ها سنگ برداشتند که به سوی عیسی پرتاب کنند ولی او از نظر مردم دور شد و عبادتگاه را ترک کرد و رفت.

یوحنا ۱: ۱۸

۱۸ کسی هرگز خدا را ندیده است، اما آن پسر یگانه ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است.

یوحنا ۱۹: ۱۰-۱۱

۱۰ پپلاطس گفت: «آیا به من جواب نمی دهی؟ مگر نمی دانی که من قدرت دارم تو را آزاد سازم و قدرت دارم تو را مصلوب نمایم؟» ۱۱ عیسی در جواب گفت: «تو هیچ قدرتی بر من نمی داری اگر خدا آن را به تو نمی داد. از این رو کسی که مرا به تو تسلیم نمود تقصیر بیشتری دارد.»

یوحنا ۴: ۳۴؛ ۸: ۲۹

۳۴: ۴ عیسی به ایشان گفت: «غذای من اینست که اراده کسی را که مرا فرستاده است بجا آورم و کارهای او را انجام دهم.»

یوحنا ۲۰: ۲۰

۲۰ عیسی به او گفت: «به من دست نزن زیرا هنوز به نزد پدر بالا نرفته ام اما پیش برادران من برو و به آنها بگو که اکنون پیش پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می روم.»

یوحنا ۵: ۱۹، ۲۰

۱۹ عیسی در جواب آنها گفت: «بیقین بدانید که پسر نمی تواند از خود کاری انجام دهد مگر آنچه که می بیند پدر انجام می دهد. هرچه پدر می کند پسر هم می کند، ۲۰ زیرا پدر پسر را دوست دارد و هرچه انجام دهد، به پسر نیز نشان می دهد و کارهای بزرگتر از این هم به او نشان خواهد داد تا شما تعجب کنید»

یوحنا ۱۴: ۱۸-۲۱

۱۸ شما را تنها نمی گذارم، پیش شما بر می گردم. ۱۹ پس از اندک زمانی، دنیا دیگر مرا نخواهد دید اما شما مرا خواهید دید و چون من زنده ام شما هم زندگی می کنید. ۲۰ در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.

۲۱ هرکه احکام مرا قبول کند و مطابق آن ها عمل نماید او کسی است که مرا دوست دارد و هرکه مرا دوست دارد پدر من او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست داشته خود را به او ظاهر خواهم ساخت.»

### غلاتیان ۴: ۷-۴

۴ اما وقتی زمان معین فر رسید، خدا پسر خود را که از یک زن و در قید شریعت متولد شده بود، فرستاد<sup>۵</sup> تا با خونبها، آزادی کسانی را که در قید شریعت بودند فراهم سازد و تا ما مقام فرزندی را به دست آوریم. ۶ خدا برای اثبات این که شما فرزندان او هستید، روح پسر خود را به قلب های ما فرستاده است و این روح فریاد زده می گوید: «آبا، ای پدر.» ۷ پس تو دیگر برده نیستی، بلکه پسری و چون پسر هستی، خدا تو را وارث خود نیز ساخته است.

### لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴

۱۱ باز فرمود: «مردی بود که دو پسر داشت. ۱۲ پسر کوچکتر به پدر گفت: «پدر، حصه مرا از دارایی خود به من بده.» پس پدر دارایی خود را بین آن دو تقسیم کرد. ۱۳ چند روز بعد پسر کوچک تمام حصه خود را به پول نقد تبدیل کرد و رهسپار سرزمین دور دستی شد و در آنجا دارایی خود را در عیاشی به باد داد. ۱۴ وقتی تمام آن را خرج کرد قحطی سختی در آن سرزمین رخ داد و او سخت دچار تنگدستی شد. ۱۵ پس رفت و نوکر یکی از ملاکین آن محل شد. آن شخص او را به مزرعه خود فرستاد تا خوکهایش را بچراند. ۱۶ او آرزو داشت شکم خود را با خوراکی که خوکها می خورند پُر کند ولی هیچکس به او چیزی نمی داد. ۱۷ آخر به خود آمد و گفت: «بسیاری از مزدوران پدر من نان کافی و حتی اضافی دارند و من در اینجا نزدیک است از گرسنگی تلف شوم. ۱۸ من بر می خیزم و پیش پدر خود می روم و به او می گویم: پدر، من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده ام. ۱۹ دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من هم مثل یکی از نوکران خود رفتار کن.» ۲۰ پس برخاست و رهسپار خانه پدر شد. هنوز تا خانه فاصله زیادی داشت که پدرش او را دید و دلش بحال او سوخت و به طرف او دوید، دست به گردنش انداخت و به گرمی او را بوسید. ۲۱ پسر گفت: «پدر، من نسبت به خدا و نسبت به تو گناه کرده ام. دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم.» ۲۲ اما پدر به نوکران خود گفت: «زود بروید. بهترین چین را بیاورید و به او ببوشانید. انگشتی به انگشتش و بوت به پاهایش کنید. ۲۳ گوساله چاق را بیاورید و حلال کنید تا مجلس جشنی برپا کنیم، ۲۴ چون این پسر من مرده بود زنده شده و گم شده بود پیدا شده است.» به این ترتیب جشن و سرور شروع شد.